

سلامت جسمانی ملا محمد روبه وخامت گذاشت و مجبور شد برای معالجه بیماری به امارات متحده عربی سفر کند.

معاینه‌های پزشکی نشان داد که وی از سرطان کبد رنج می‌برد اما سرطان هنوز در مراحل اولیه است. متخصصان از لندن به امارات متحده آمدند تا او را عمل کنند. علی رغم موفقیت آمیز بودن عمل، نتوانستند سلول‌های سرطانی را به طور کامل از بین ببرند و ملا محمد پس از عمل جراحی به طور کامل بهبود نیافت و هر هفته نیاز به تزریق دارو داشت که هزینه‌ی آن ۳۵ هزار روپیه پاکستان بود که صرفاً جهت تسکین درد او بود.

محمد ربانی در سال چهار بار در بیمارستان تحت درمان قرار می‌گرفت. بعد از عمل جراحی در دبی دو سال زندگی کرد. محمد ربانی به همراه برادرش مولوی احمد ربانی و یکی از دوستان نزدیکش حاجی وحید الله به اسلام آباد آمد. من با چند تن از نیروهای امنیتی پاکستان به استقبال آنها در فرودگاه رفتم و وی را به بیمارستان سیمچی منتقل کردم. با سفارت امارات متحده عربی تماس گرفتم تا کمک کنند که او را برای درمان به امارات ببرم. از سفارت‌های انگلیس و آمریکا نیز درخواست کمک کردم.

سفارت امارات سریع پاسخ داد و گفت که آماده پذیرش وی است و به زودی هواپیمایی برای انتقال وی به امارات ارسال خواهد کرد. مسئولین سفارت به اشتباه فکر کرده بودند که برهان الدین ربانی، رئیس حزب جمعیت بیمار است. وقتی پاسپورت محمد ربانی را فرستادم سفیر با من تماس گرفت و گفت پزشکانی که ملا محمد ربانی را عمل کرده‌اند را به اسلام آباد می‌فرستد.

وقتی پزشکان او را معاینه کردند، به من گفتند که سرطان پیشروی کرده است و بهتر است او را جا به جا نکنم زیرا چند روز بیشتر از عمرش باقی نمانده است. سفارت‌های انگلیس و آمریکا اما هیچ کمکی به من نکردند. علی رغم حرف پزشکان، ملا محمد را برای معالجه آماده سفر به خارج کردیم اما او گفت: «خودتان را خسته نکنید، زیرا من شفا نخواهم یافت، من این را می‌دانم.»

اعضای بدن او به تدریج شروع به از کار افتادن کردند. حالش روز به روز وخیم‌تر می‌شد. معلوم بود که بهبود پیدا نمی‌کند. همانطور که پزشکان گفته بودند و انتظار داشتند، روز هشتم ساعت هشت و نیم صبح در گذشت. شب قبلش ملا محمد ربانی تا آخرین نفس به انجام فریضه‌ی نماز ادامه داد. وقتی به اتاق او برگشتم نمازشان تمام شده بود و به من اشاره کرد که به او نزدیک تر شوم. از من پرسید چرا با ایشان نماز نخواندم. به ایشان گفتم که تلفن زنگ خورد و برای اینکه مزاحم او نشوم بیرون رفتم و تماس خیلی طول کشید. همچنین نمی‌دانستم که نماز جماعت می‌خوانند.

نگاهی به من کرد و جواب داد: «وقتی که وقت نماز فرا می‌رسد، به مسائل دیگر مشغول نشو! زیرا زمانی که برای خدا اختصاص می‌دهی، بسیار مهم‌تر از زمانی است که برای دیگران می‌گذاری.» سپس ادامه که: «در نافرمانی خالق، طاعتی از مخلوق نیست.»

هرگز ملا محمد به تنهایی نماز نمی‌خواند. در هنگام نماز بسیار خضوع داشت. در خانه بودم که خبر فوتش را به من دادند. وقتی به بیمارستان رسیدم، او را به سردخانه برده بودند. رفتم جسدش را بشویم و نگاهش کنم. بدن او بر اثر گلوله‌های روسی تغییر شکل

امارات اسلامی به  
دو دلیل عمده با  
تحویل بن لادن  
مخالفت کرد: ۱.  
تحویل هر مظنونی  
به آمریکا موجب  
تحلیل هژمونی  
آن بر جهان  
می‌شود و این  
موضوع استقلال  
و حاکمیت تمام  
کشورها را تهدید  
می‌کند و ۲. اینکه  
این درخواست این  
امر را القای کند  
که در جهان اسلام  
عدالتی وجود  
ندارد